

## بررسی تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی

نازیلا ابراهیمی\*

امین کرایبی\*\*، ذبیح‌اله عباس‌پور\*\*\*، مسعود شهبازی\*\*\*\*

### چکیده

هدف این پژوهش، طراحی و تدوین مدل تأثیر ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج بود. جامعه آماری کلیه دانشجویان دختر مجرد مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی می‌باشد که نمونه‌ای به حجم ۳۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شد. طرح پژوهش، تحلیل ماتریس کوواریانس یا همبستگی (تحلیل مسیر) است که به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت فردی بر نگرش به ازدواج با میانجی‌گری مؤلفه‌های افق ازدواج می‌پردازد. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس نگرش به ازدواج (Park & Rosen, 2012)، پرسشنامه فرایند هویت فردی (Balistreri et al, 1995)، مقیاس اهمیت ازدواج (Belt, 2016)

\* دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران،

nazila\_ebrahimi\_nzl@yahoo.com

\*\* استادیار گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)،

am.koraei@gmail.com

\*\*\* مدرس مدعو، گروه مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران، استادیار گروه مشاوره، دانشگاه

شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، اهواز، ایران،

zabbaspour1356@gmail.com

\*\*\*\* استادیار، گروه مشاوره، واحد مسجدسلیمان، دانشگاه آزاد اسلامی، مسجدسلیمان، ایران

masoudshahbazi66@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

مقیاس سن مورد انتظار ازدواج Willoughby, 2014 و مقیاس آمادگی ازدواج Johnson et al, 2011 می‌باشند. نتایج نشان داد، مؤلفه‌ی عشق هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج با نگرش به ازدواج رابطه دارد. مؤلفه‌ی کار، نیز فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج و آمادگی ازدواج با نگرش به ازدواج رابطه دارد. از سوی دیگر؛ مؤلفه‌ی جهان‌بینی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز با به صورت مستقیم با نگرش به ازدواج ارتباط دارند. یافته‌های به دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد مدل ساختاری از برازندگی خوبی برخوردار است و همی روابط ساختاری مدل نهایی در سطح  $P < 0/05$  معنادار می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ابعاد هویت فردی، نگرش نسبت به ازدواج، مؤلفه‌های افق ازدواج

## ۱. مقدمه

ازدواج مهم‌ترین تجربه انسان در گذر از مرحله نوجوانی به بزرگسالی است (Willoughby, 2010). ازدواج ارتباطی است که دارای ویژگی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای می‌باشد، ارتباطی که دارای ابعاد زیستی، عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. به عبارت دیگر، هم-زیستی زن و شوهر در درون واحد خانواده موجب ارتباط عمیق و همه جانبه‌ای می‌شود که بی‌هیچ شک و شبهه‌ای قابل مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی نمی‌باشد، به نحوی که قرار داد ناشی از آن دارای نوعی تقدس شده است (Brown et al, 2006). ازدواج تعهدی با عشق و مسئولیت برای صلح، شادی و توسعه روابط خانوادگی قوی است. یکی از مهم‌ترین روابط بین مرد و زن، ازدواج است که شامل تعهد عاطفی و قانونی است که در زندگی هر فرد بالغ بسیار بااهمیت است. علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به یک زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است. شکی نیست که انتخاب شریک زناشویی یکی از مهم‌ترین تصمیماتی است که در طول زندگی هر فرد پیش می‌آید. مردم به دلایل بسیاری مانند عشق، شادی، همراهی و آرزوی داشتن فرزندان، جاذبه جسمانی و یا تمایل به فرار از یک وضعیت ناشاد و ناراضی ازدواج می‌کنند (Rao, 2017). ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم و سرنوشت‌ساز هر فرد است. این انتخاب یکی از مراحل و فرآیندهای رشد محسوب می‌شود که در تکامل ابعاد درونی و شخصیتی انسان مهم است (Adamczyk, 2017).

سن ازدواج در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. همخانگی و ازدواج‌های غیر رسمی -که در نهایت به ازدواج رسمی ختم نمی‌شوند- روزه‌روز در حال افزایش است (Vespa, 2014). زندگی مشترک بدون ازدواج در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای در میان جمعیت ایالات متحده منتشر شده و به‌عنوان یک رویداد بهنجار در چرخه زندگی محاسبه می‌شود (Manning, 2014). برخی از همخانه‌ها و ازدواج‌های غیر رسمی، نه تنها شریک جنسی یکدیگر محسوب می‌شوند، بلکه اقدام به بارداری یا پذیرفتن فرزند از طریق فرزندخواندگی می‌کنند که این آمار حدود ۲۰ درصد کودکان متولد شده در آمریکا را شامل می‌شود (Kennedy & Bumpass, 2011). جامعه‌ی رشد یافته در گرو خانواده‌های منسجم و موفق می‌باشد. این هدف زمانی تحقق می‌یابد که انتخاب همسر از روی آگاهی و با توجه به معیارهای صحیح صورت گیرد (Boyce et al, 2017). افراد در طول زندگی خود به‌طور مداوم در حال انتخاب هستند و در هر انتخاب ملاک‌هایی را مبنا قرار می‌دهد. تعدادی از این ملاک‌ها مربوط به فرد و برخی نیز تقریباً بین همه‌ی اعضای یک گروه، از نظر جنس یا نوع مشترک می‌باشند (Claxton, 2013).

احساسات و نگرش‌ها در مورد ازدواج متغیر کلیدی در تصمیم برای ازدواج و پیش‌بین معنادار رضایت زناشویی است (Schramm et al, 2012). نگرش به ازدواج (Marital Attitude) عبارت است از عقیده ذهنی و باورهای فرد در مورد ازدواج (Bratten & Rozen, 1998)، به نقل از Willoughby et al, 2015, a) که در مراحل اولیه زندگی شکل گرفته و شامل سازه‌های نسبتاً ثابت است. در سال‌های اخیر نگرش جوانان نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده جهت‌گیری منفی یافته و به دنبال این نگرش منفی تباهی اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی در جوانان عمومیت یافته است (Jonsson et al, 2000). یکی از علل کاهش گرایش به ازدواج در جوانان کشور ما، باورهای نادرست و نگرش نامناسب نسبت به ازدواج ذکر شده است (آزادفلاح و همکاران، ۱۳۸۷).

شکل‌گیری نگرش به ازدواج از دو رویکرد نظری قابل توجیه است. اول آن که بر اساس نظریه دلبستگی رابطه والدین با مراقبان اولیه (به‌خصوص مادر) در ایجاد الگوهای فعال درونی نقش دارد (Mikulincer & Shaver, 2007). الگوهای فعال درونی ممکن است یکی از مکانیسم‌هایی باشد که از طریق آن نگرش نسبت به صمیمیت انتقال می‌یابد (Risch et al, 2004). در نظریه‌های دلبستگی کنونی رابطه والد-کودک نه تنها در دوران کودکی مهم است، بلکه در دوران بزرگسالی نیز اهمیت دارد (Freeman & Brown, 2001). دوم آن که بر اساس

نظریه یادگیری اجتماعی، والدین ایده‌های خود راجع به رابطه با جنس مخالف را از طریق الگوسازی و یادگیری جانشینی به فرزندان خود انتقال می‌دهند و نگرش فرزندان نسبت به صمیمیت از طریق مشاهده والدین و روابط بین آن‌ها الگوبرداری می‌شود. از طرف دیگر فرزندان تجربه رابطه خود و والدین را به‌عنوان مبنایی برای ایجاد صمیمیت در روابط به کار می‌برند. این یادگیری از منابع دیگری مانند رسانه‌ها، مدرسه، یا دوستان نیز صورت می‌گیرد (Risch et al, 2004). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده اصلی در نگرش به ازدواج و نیز زندگی خانوادگی فرزندان نقش دارد (Carey, 2005).

کارول و همکاران (۲۰۰۹) با استفاده از چشم انداز چرخه عمر خانواده، نظریه افق ازدواج (Marital Horizon Theory) را در زمینه آمادگی برای ازدواج فراهم کردند. منظور از لغت "افق"، زاویه دید، تجربه، علاقه و آگاهی افراد در زمینه آمادگی برای ازدواج است (Neufeldt & Guralnik, 1988). مفهوم افق ازدواج اشاره به چشم‌انداز یک شخص و یا رویکرد وی به ازدواج در رابطه با وضعیت فعلی‌اش دارد. کارول و همکاران (۲۰۰۹) پیشنهاد کردند که حداقل سه بخش مرتبط و در عین حال مجزا وجود دارد که تعریف یک فرد بزرگسال از افق تأهل را تشکیل می‌دهد. اول، اهمیت ازدواج در برنامه فعلی زندگی فرد، دوم زمان مورد نظر فرد برای ازدواج در این دوره و سوم معیارهای آمادگی فرد برای ازدواج یا اعتقادات فرد در این زمینه.

مفاهیم موجود در ورای افق‌های ازدواج بر "پیش‌بینی" و "برنامه‌ریزی" برای ازدواج تمرکز دارد (Carroll et al, 2007)، و نقش مورد انتظار نوبزرگسالان از ازدواج در زندگی را برجسته می‌کند. تئوری افق ازدواج، اساس مطالعات بسیاری در سال‌های اخیر شده است که این موضوع نشان دهنده اهمیت عقاید مربوط به ازدواج بر رشد و توسعه افراد بالغ می‌باشد. به عنوان مثال، طبق نظریه افق ازدواج بالغین با تمایز یافتگی بیشتر و یا افرادی که اهمیت کمی به ازدواج می‌دهند و اولویت‌های زمانی دیگری دارند، مشارکت در رفتارهای ریسک پذیرتر (Carroll et al, 2007) و فعالیت جنسی بیشتری از خود نشان می‌دهند (Willoughby & Carroll, 2009). اعتقادات زناشویی نیز به طور مستقیم بر توسعه روابط میان بالغین اثر می‌گذارد. یک مطالعه نشان داده است که نگرش مثبت نسبت به ازدواج بیشتر با افزایش تعهد در روابط عاشقانه همراه است (Willoughby, 2014)، در حالی که مطالعه دیگری نشان داده سن مطلوب ازدواج به سلامت روان و چگونگی ارتباط سن واقعی ازدواج نوبزرگسالان و همسان‌سازی تمایلات در آنها بستگی دارد (Carlson, 2012).

زمان‌بندی ازدواج و اهمیت آن با مصرف مواد و هرج و مرج جنسی آن دسته از افرادی که زمان ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و به ازدواج کمتر اهمیت می‌دهند و بیشتر درگیر این رفتارها هستند، مرتبط می‌باشد (Carroll et al, 2007). با توجه به ارزش‌های تشکیل خانواده، زمان‌بندی ازدواج و اهمیت ازدواج با فرزندمحوری، داشتن همسر خارج از ازدواج، زایمان خارج از ازدواج و استقلال همسر در ارتباط می‌باشد. اهمیت ازدواج در ارتباط منفی با همسر خارج از ازدواج، زایمان خارج از ازدواج، و استقلال زوجین است، اما به طور مثبتی با فرزند محوری مرتبط است (Carroll et al, 2007). تاخیر در ازدواج با افزایش بیشتر پذیرش داشتن همسر غیر از ازدواج در مردان و زنان همراه می‌باشد، اما در موارد دیگر متفاوت می‌باشند. زنانی که تاخیر در زناشویی را می‌پذیرند کمتر کودک محور هستند و بیشتر به داشتن فرزند بدون ازدواج تمایل دارند و سطح بالاتری از استقلال همسر را می‌خواهند. در مورد مردان، تاخیر در ازدواج با تمایل کمتری برای داشتن یک کودک خارج از ازدواج همراه بود (Carroll et al, 2007). کارول و همکاران (۲۰۰۷) ادعا می‌کنند که، "آشکار است که دیدگاه‌های جوانان نسبت به ازدواج می‌تواند با طیف گسترده‌ای از ارزش‌ها و رفتارهای نوبرگسالی مرتبط باشد" (Carroll et al, 2007).

پژوهش‌های قبلی به بررسی برخی از مسائل در توسعه هویت و اعتقادات و شکل‌گیری روابط صمیمانه پرداخته‌اند، اما مطالعات اندکی تا به امروز رابطه‌ی این دو را با هم بررسی کرده‌اند و بسیاری از این مطالعات تنها اعتقادات کوتاه‌مدت و رفتارهای همزمان را مورد بررسی قرار داده‌اند (Barry et al, 2009; Zimmer-Gembeck et al, 2012; Montgomery, 2005). شکل‌گیری هویت شامل ایجاد انتخاب و تعهد به نقش‌ها است (Mullis et al, 2007). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان‌بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود سازگار است و اهمیت بیشتر ازدواج در مقایسه با همسالانی که کمتر اهمیت می‌دهند مشهود می‌باشد (Beyers & Seiffge-Krenke, 2010). با این حال، پیشرفت در هویت کار احتمالاً با ازدواج در حال رقابت می‌باشد و به عنوان یک نقش اصلی در نظر گرفته می‌شود و در زمان‌هایی از اهمیت ازدواج می‌کاهد (Willoughby et al, 2015, a). به طور مشابه کسب پیشرفت در توسعه جهان-بینی نیز احتمالاً در مرحله بعدی با زمان‌بندی مربوط به ازدواج مرتبط می‌شود و اهمیت کمتر آن از ازدواج ممکن است با تصمیم‌گیری‌های مستقل و باورهای شخصی فرد در ارتباط باشد (Arnett et al, 2001).

برای درک چگونگی اتصال افق ازدواج و هویت، تعریف هویت بسیار مهم است. اگر چه تعریف دقیق هویت در تحقیقات متفاوت است، اما به طور کلی مجموعه‌ای از باورها و ادراکات فردی در مورد چگونگی ورود به دنیای اجتماعی می‌باشد (Erikson, 1950). چنین اعتقادی از طریق فرایند کاوش و جمع‌آوری امکاناتی که پس از تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه امکاناتی را برای متعهد کردن به زندگی خود اختصاص دهیم حاصل می‌شود و در افراد بالغ کسب هویت نامیده می‌شود (Marcia, 1966). به طور خاص، اکتشاف امکانات در سه حوزه هویت به عنوان کلیدی برای نوبزرگسالان برجسته شده و هموار کننده جاده رو به نوبزرگسالی در کنار عشق (روابط احساسی)، کار و جهان‌بینی (ارزش‌ها) می‌باشد (Arnett, 2000).

علیرغم کمبود پژوهش‌ها در این زمینه، چند مطالعه به آن اشاره کرده‌اند و ارتباط احتمالی بین باورهای زناشویی و توسعه هویت را در نظر گرفته‌اند. مثلاً در یک مطالعه، نوبزرگسالانی که شکل‌گیری هویت خود را برتر می‌دانستند به احتمال بیشتری دلیل آن را وجود روابط عاشقانه می‌دانستند (Barry et al, 2009)، این مطلب نشان می‌دهد که تشکیل هویت موفق به عنوان نشانگری برای تغییر در تمرکز در تشکیل تمایلات می‌باشد. مطالعات دیگر نشان داده‌اند که افراد دارای هویت خانواده‌گرا احتمالاً بیشتر آماده انتقال خانواده، از جمله ازدواج، در اوایل زندگی هستند. سالملا-آرو و همکاران (Salmela-Aro, Aunola & Nurmi, ۲۰۰۷)، نشان می‌دهند که آنچه که منجر به هویت می‌شود با شکل‌گیری تمایلات ارتباط دارد. با کنار هم قرار دادن همه موارد، این مطالعات نشان می‌دهند که ارتباطی بین هویت و تمایلات رفتاری وجود دارد اما یک تصویر واضح از چگونگی شکل‌گیری هویت در نوبزرگسالان و اتصال آن به باورهای تمایلی به دست نمی‌دهند. همان‌طور که نوبزرگسال اول کشف می‌کند و سپس متعهد به انواع امکانات در هر دامنه هویتی می‌شود، نه تنها درک می‌کنند که چه کسی هستند بلکه شروع به تمرکز بر آینده خود در نقش‌های نوبزرگسالی می‌کنند (Crocetti et al, 2012). به عبارت دیگر، انتقال به نوبزرگسالی، بستگی به قرار دادن نقش‌های جدید در هویت فرد بالغ دارد.

**هویت عشق (روابط احساسی).** همان‌طور که نوبزرگسالان دستاوردهایی در هویت عاشقانه خود پیدا می‌کنند، شروع به ایجاد روابط بیشتر به طور جدی‌تر می‌کنند، این موضوع هم در روابط رفتار آنها و هم در نتایج ارتباطات آنها مشاهده می‌شود. پژوهش در مورد وضعیت هویت و رفتارهای دوستیابی نشان می‌دهد که نوبزرگسالان بر دوستیابی

های خود در درجه اول به منظور شناخت خودشان و ترجیحات و گزینه‌ها تمرکز می‌کنند (Zimmer-Gembeck et al, 2012)؛ در حالی که کسانی که یک وضعیت هویتی به دست آمده دارند به دنبال تعهد و روابط بلندمدت می‌باشند (Montgomery, 2005). علاوه بر این، تعهدی روشن به هویت عشقی خود پیدا می‌کنند که با درک بیشتر و مثبت از روابط فعلی و سرمایه‌گذاری‌های ارتباطی همراه می‌باشد (Acitelli et al, 1999) و رفتارهای مثبت و روابط مثبت و اعتماد بیشتر کسب می‌کنند (Barry et al, 2009). چنین تحقیقی به وضوح نشان می‌دهد که دستاورد هویت فردی در عشق با شکل‌گیری روابط صمیمانه قوی ارتباط دارد (Beyers & Seiffge-Krenke, 2010)، که نشان دهنده افزایش اهمیت روابط بلند مدت می‌باشد. پس از آن انتظار می‌رود که با احساس خودیابی نوبزرگسالان از نظر عشقی بیشتر متعهد به ایده ازدواج شوند، و اهمیت بیشتری به ازدواج دهند و انتظار می‌رود که زودتر ازدواج کنند.

**هویت کار (حرفه‌ای).** زمانی که نوبزرگسالان برنامه‌های زندگی آینده خود را تنظیم می‌کنند، ازدواج در جایگاه دوم قرار می‌گیرد (Willoughby & Carroll, 2015). تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از نوبزرگسالان بر این باورند که پیشرفت تحصیلی و ایجاد شغل، بر ازدواج مقدم هستند (Carroll et al, 2009)، که نشان دهنده وجود یک حس قوی در میان نوبزرگسالان در مورد نیاز به یک حرفه پایدار قبل از ازدواج می‌باشد. علاوه بر این، مطالعه دیگری نشان داد که نوبزرگسالان احساس می‌کردند که حرفه آینده آنها نقش بیشتری نسبت به نقش همسرشان در زندگی آینده بازی خواهد کرد (Willoughby et al, 2015, b). با این حال، دیگر نوبزرگسالانی که نقش اصلی خود را نقش همسری می‌دانند و آن را مهم‌تر از حیطه شغلی می‌دانند زودتر از دوستان و همسالان دیگر خود ازدواج می‌کنند (Willoughby & Hall, 2015). این یافته‌ها نشان می‌دهند که، برخلاف هویت عشق و ازدواج، هویت کار و افق‌های ازدواج، به جای در کنار هم بودن، از یکدیگر جدا می‌شوند. پس اهمیت ازدواج به احتمال زیاد پایین‌تر می‌باشد و زمان‌بندی آن در جایگاه دوم پس از کار قرار می‌گیرد.

**هویت جهانی‌بینی (ارزش‌ها).** نوبزرگسالان به طور مداوم اشاره می‌کنند که "تصمیم‌گیری در مورد اعتقادات/ارزش‌های شخص به طور مستقل از والدین یا سایر تأثیرات" می‌باشد، و یکی از معیارهای برتر بزرگسالی می‌باشد (Arnett, 1998)، که توسعه هویت جهانی را به عنوان یکی از بالاترین ترجیحات نوبزرگسالان قرار می‌دهد. با این حال، درک این

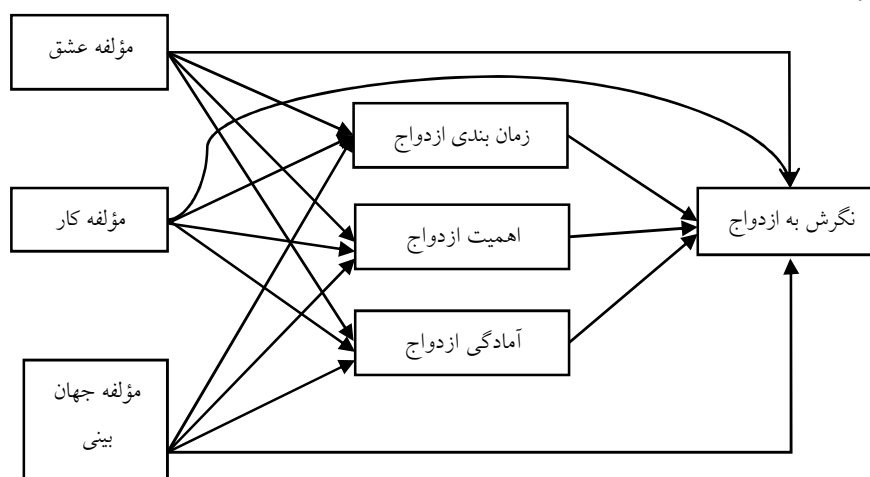
پیگیری در ارتباط با توسعه تمایلات ناقص می‌باشد. تحقیقات پیشین افق‌های ازدواج نشان می‌دهند که نوبزرگسالان توسعه هویت جهان‌گرا را برای ازدواج ضروری می‌دانند (Carroll et al, 2009)، اما هیچ مطلبی به طور خاص تلاشی برای اتصال هویت جهانی با تشکیل تمایل انجام نداده است. توسعه هویت جهانی در میان نوبزرگسالان با پیگیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (Arnett et al, 2000)، که با یک روند دارای تعهد کمتر به روابط و تاخیر در تشکیل رابطه جدی مشخص می‌شود (Dion & Dion, 1991). در واقع یک بیان بسیار "مستقل از تأثیرات دیگر" نشان دهنده جدایی توسعه جهان‌بینی از زمینه روابط می‌باشد. اگر چنین است، پس شکل‌گیری توسعه جهان‌بینی با یک تمرکز بر استقلال به احتمال زیاد منجر به روند رو به عقب ازدواج می‌شود.

آن مرحله از حیات که با نام ظهور نوبزرگسالی و بلوغ شناخته شده است چند ویژگی دارد، که دو خصوصیات اصلی آن دوره طولانی تشکیل هویت و تغییراتی در رابطه با کسب تجربه می‌باشد (Arnett, 2000). گرچه عوامل شکل دهنده هویت در میان بالغین به خوبی مورد مطالعه قرار گرفته است، پژوهشگران هنوز در مورد دیدگاه چگونگی شکل‌گیری تشابه‌های مدرن بین نوبزرگسالان محدود می‌باشند. یک کلید برای فهمیدن ارتباط فعلی بین شکل‌گیری هویت و شکل‌گیری تمایلات در میان نوبزرگسالان در پژوهشی نهفته است که نشان می‌دهد که می‌توان به سادگی ازدواج را به تعویق انداخت، به معنایی دیگر هدف ازدواج در حال تغییر است و دیگر به عنوان یک وظیفه اصلی برای تبدیل شدن به یک نوبزرگسال به حساب نمی‌آید (Carroll et al, 2007; Carroll et al, 2009; Willoughby et al, 2015, a). اگر چنین باشد، پس ارتباط بین هویت و تمایل نیز ممکن است تغییر کند. در حالی که برخی تحقیقات نشان می‌دهند که شکل‌گیری هویت و روابط نزدیک بین نوبزرگسالان هنوز هم مرتبط می‌باشد (Acitelli et al, 1999; Pittman et al, 2012; Zimmer-Gembeck et al, 2012)، هنوز مشخص نیست که آیا تمایلات درازمدت در ازدواج با تشکیل هویت در میان نوبزرگسالان مرتبط است یا خیر؟ علاوه بر این، پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند، از آنجایی که ازدواج بخش مهمی از دوره نوبزرگسالی نمی‌باشد نیاز به تمرکز بر تمایلات در باورها و نگرش‌ها در سمت روابط بلندمدت آینده نیست (Willoughby et al, 2015, a). با این حال، تا به امروز، پژوهش‌های اندکی ارتباط بین شکل‌گیری هویت و باورهای روابط آینده مانند ازدواج را بررسی کرده‌اند (به عنوان مثال Belt, 2016).



مطالعات قبلی نشان می‌دهد که سن و بلوغ جسمی و جنسی (Qian & Preston, 1993)، محل زندگی افراد (Scheuble et al, 2012)، تأثیرات خانواده (Larson et al, 1998)، وضعیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری (Locksley, 1982)، تأثیرات والدین (Kerpelman & Schvaneveldt, 1999)، فرهنگ و توانایی درک تفاوت‌ها (Anderson, 1990)، در دسترس بودن همسر (Lichter et al, 1995) و ترجیحات فردی (Mc Lanahan & Casper, 1985) رغبت به ازدواج را تحت تأثیر قرار می‌دهند (به نقل از Belt, 2016).

بنابراین هدف از این مطالعه پر کردن شکاف در تحقیقات موجود و رسیدن به این درک است که چگونه نوبزرگسالان هویت خود را با تمایلات آینده خود ارتباط می‌دهند. به طور خاص، شکل‌گیری هویت در حوزه‌های عشق، کار و جهان‌بینی مربوط به چگونگی زمان-بندی نوبزرگسالان و اهمیت ازدواج را مورد مشاهده قرار می‌دهد. لذا با توجه به شکاف موجود و نتایج پژوهش‌های ذکر شده (به‌ویژه پژوهش Belt, 2016)، مدل زیر پیشنهاد می‌شود.



شکل ۱. مدل پیشنهادی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد

مسئله اصلی در این پژوهش این است که آیا مدل پیشنهادی مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد برآورده می‌باشد؟ بر اساس مدل فرض شده ابعاد هویت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج بر نگرش به

ازدواج تأثیر دارد. همچنین مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به صورت مستقیم بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد.

## ۲. روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر یک طرح همبستگی از نوع تحلیل ماتریس کواریانس یا همبستگی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانشجویان دختر مجرد مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی است که در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ در دانشگاه‌های این استان (دانشگاه‌های دولتی، واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی و مراکز دانشگاه پیام نور) مشغول به تحصیل بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین دانشجویان مجرد این دانشگاه‌ها، ۳۰۰ نفر دانشجوی دختر انتخاب شده و پاکت‌های حاوی پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت.

به منظور انتخاب نمونه، پس از طی روند اداری لازم و اخذ مجوزهای مربوطه، به دانشگاه‌های استان آذربایجان شرقی (شامل دانشگاه‌های تبریز، علوم پزشکی تبریز، دانشگاه صنعتی سهند، واحدهای دانشگاه پیام نور و واحدهای دانشگاه آزاد استان) مراجعه شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای نمونه‌ای لازم از میان دانشجویان هر دانشگاه به طور مجزا انتخاب و پرسشنامه‌های پژوهش در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. لازم به ذکر است که هر کدام از افرادی که واجد شرایط شرکت در پژوهش بودند (مجرد بودن، دانشجوی تحصیلات تکمیلی بودن، نداشتن سابقه ازدواج قبلی) انتخاب می‌شدند. بر این اساس تعداد ۳۰۰ دانشجوی دختر از دانشگاه‌های مذکور به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند که در نهایت اطلاعات به دست آمده از این افراد توسط پژوهشگر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ۳. ابزار پژوهشی

### ۳.۱. مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج ( Marital Attitudes and Expectations Scale)

مقیاس نگرش و انتظارات از ازدواج (Park & Rosen, 2012)، یک مقیاس ۳۶ ماده‌ای که برای اندازه‌گیری سه مؤلفه‌ی قصد ازدواج (۳ ماده)، نگرش نسبت به ازدواج (۱۰ ماده) و

انتظارات از ازدواج (۲۳ ماده) در نظر گرفته شده است و در ایران برای نخستین بار توسط پژوهشگر ترجمه و مورد استفاده قرار گرفت. شرکت کنندگان پاسخ خود را بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) بیان می‌کنند. که برخی ماده‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش حاضر فقط از ۱۰ سوال مربوط به خرده‌مقیاس نگرش نسبت به ازدواج استفاده شده است. دامنه نمرات از ۱۰ تا ۷۰ می‌باشد و نمرات بالاتر، نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج را نشان می‌دهد. پارک و روزن (۲۰۱۲) پایایی سه خرده‌مقیاس این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب برابر ۰/۹۱، ۰/۸۱ و ۰/۷۸ گزارش کردند. همچنین روایی سازه این مقیاس را با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی مورد بررسی قرار دادند که نتایج حاکی از روایی مناسب این مقیاس می‌باشد. در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که برابر ۰/۹۰ به دست آمد.

### ۲.۳ پرسشنامه فرایند هویت فردی

برای اندازه‌گیری مؤلفه‌های هویت، از پرسشنامه ۳۲ سوالی فرایند هویت فردی (Balistreri et al, 1995) استفاده شد. این پرسشنامه وضعیت هویت را براساس مدل مارسیا (۱۹۶۶) از طریق دو حوزه اکتشاف و تعهد بررسی می‌کند. سطح اکتشاف چهار بعد ایدئولوژیک شامل کار، مذهب، سیاست و ارزش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند و سطح تعهد، چهار بعد بین فردی شامل خانواده، دوستی، نقش جنسیتی و عشق را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر ۱۲ ماده‌ی مربوط به سه بعد هویت شامل عشق (روابط احساسی)، کار (حرفه) و جهان‌بینی (ارزش‌ها) مورد استفاده قرار گرفت که نظر پاسخ‌دهندگان را در یک طیف لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. نمره بالا در هر کدام از خرده‌مقیاس‌ها نشان دهنده هویت کسب شده‌ی بیشتر است. بلت (۲۰۱۶) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برای سه مؤلفه عشق (روابط احساسی)، کار و جهان‌بینی (ارزش‌ها) به ترتیب برابر ۰/۵۱، ۰/۵۵ و ۰/۶۰ به دست آوردند. پیس و زاپولا (Pace & Zappulla, ۲۰۰۹) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۸۰ تا ۰/۸۶ محاسبه کردند. همچنین، پلرون، راماسی، گرانا و کراپارو (Pellerone, Ramaci, Granà & Craparo, ۲۰۱۷) در پژوهش خود ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ

مطلوب ارزیابی کردند. مرسونبول و آتاک (Morsünbül & Atak, ۲۰۱۳) ضریب پایایی ابعاد این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ در دامنه‌ای بین ۰/۶۲ تا ۰/۷۳ محاسبه کردند. همچنین، روایی همزمان این پرسشنامه را در دامنه‌ای بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ به دست آوردند. امینی (۱۳۹۱) در پژوهش خود ضریب پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ مطلوب ارزیابی کرد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای سه خرده‌مقیاس به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۷۹ و ۰/۸۸ به دست آمد.

### ۳.۳ مقیاس اهمیت ازدواج

این مقیاس توسط بلت (۲۰۱۶) ساخته شد که شامل ۴ ماده است و برای اندازه‌گیری مؤلفه اهمیت ازدواج از مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به کار می‌رود. این مقیاس، اهمیت ازدواج را از نظر آزمودنی در یک طیف لیکرت شش درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۶) اندازه‌گیری می‌کند که نمره‌گذاری یکی از ماده‌های آن نیز به صورت معکوس صورت می‌گیرد. نمره‌ی بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده بیشتر بودن اهمیت ازدواج در نظر آزمودنی است. بلت (۲۰۱۶) پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۰ محاسبه نمود. این مقیاس برای اولین بار در ایران ترجمه شده و در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت که ضریب پایایی این مقیاس نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۸ به دست آمد.

### ۴.۳ مقیاس سن موردانتظار ازدواج

مقیاس سن موردانتظار ازدواج توسط ویلویی (۲۰۱۴) ساخته شده و شامل دو ماده است که نظر افراد در مورد اینکه زمان یا سن موردنظرشان برای ازدواج چند سال است، را می‌سنجد. این مقیاس از فرد سوال می‌پرسد که حداقل و حداکثر سن موردانتظار برای ازدواج خود را بنویسید. سپس میانگین سن حداقل و حداکثر ذکر شده توسط آزمودنی به عنوان سن موردانتظار ازدواج در نظر گرفته خواهد شد.

### ۵.۳. مقیاس آمادگی ازدواج

مقیاس آمادگی ازدواج نیز توسط جانسون، اندرسون و استیث Johnson, Anderson & Stith (۲۰۱۱) ساخته شده و شامل یک ماده است که نظر افراد در مورد اینکه آیا در شرایط فعلی خود را برای ازدواج آماده می‌بینند، را می‌سنجد. این مقیاس از فرد سوال می‌پرسد که آیا در حال حاضر آمادگی ازدواج دارید؟ سپس پاسخ فرد در دامنه‌ای بین ۱ (اصلاً آماده نیستم) تا ۱۰ (کاملاً آماده‌ام) ابراز خواهد شد.

در این پژوهش ابتدا روش‌های آمار توصیفی مانند میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ انجام شد. پس از آن تحلیل‌های پیچیده‌تر از طریق تحلیل مسیر (PA) برای ارزیابی مدل فرضی با استفاده از نرم‌افزار AMOS نسخه ۱۸ استفاده شد. در این مدل داده‌ها به صورت ماتریس‌های کواریانس یا همبستگی درآمده و یک مجموعه معادلات رگرسیون بین متغیرها تدوین می‌شود. برای ارزشیابی و مقایسه‌ی برازندگی کلی مدل تحلیل مسیر از چند شاخص استفاده شد: (۱) مجذورکای ( $\chi^2$ ) و ارزش  $P < 0.05$  (۲) نسبت مجذورکای ( $\chi^2$ ) به درجه آزادی، (۳) شاخص نیکویی برازش Goodness of Fit Index (GFI)، (۴) شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)، (۵) شاخص برازندگی مقایسه‌ای Comparative Fit Index (CFI)، (۶) شاخص برازندگی افزایشی Incremental Fit Index (IFI)، (۷) شاخص بنتلر-بونت یا شاخص نرم شده برازندگی Normalized Fit Index (NFI)، (۸) شاخص تاکر-لویز Tucker-Lewis Index (TLI) و (۹) ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات Root Mean Squared Error of Approximation (RMSEA).

### ۴. یافته‌های پژوهش

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
مؤلفه‌ی عشق	۱۴/۹۴	۲/۸۱
مؤلفه‌ی کار	۱۶/۹۱	۳/۲۱

۲/۹۵	۱۵/۷۹	مؤلفه‌ی جهان‌بینی
۲/۷۷	۲۷/۶۹	مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج
۵/۳۴	۱۴/۵۳	مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۲/۶۹	۵/۴۹	مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۹/۳۵	۴۵/۳	نگرش به ازدواج

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در نگرش به ازدواج به ترتیب ۲۷/۰۴ و ۸/۸۳ می‌باشد. همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های آزمودنی‌ها در سایر متغیرها نیز مشاهده می‌شود. جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای مختلف پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش در کل آزمودنی‌ها

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	مؤلفه‌ی عشق	-	۰/۲۹۳	۰/۲۴۰	۰/۱۹۹	۰/۴۶۱	۰/۳۱۹	۰/۴۹۷
۲	مؤلفه‌ی کار	-	-	۰/۲۸۲	۰/۲۳۳	۰/۲۳۰	۰/۲۶۸	۰/۲۰۴
۳	مؤلفه‌ی جهان‌بینی	-	-	-	۰/۰۰۲	۰/۴۴	۰/۲۲۱	۰/۴۷۹
۴	مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج	-	-	-	-	-۰/۱۸۳	۰/۰۲۶	-۰/۱۴۴
۵	مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج	-	-	-	-	-	۰/۵۰۵	۰/۷۷۳
۶	مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج	-	-	-	-	-	-	۰/۴۵۹
۷	نگرش به ازدواج	-	-	-	-	-	-	-

لازم به ذکر است که همه‌ی ضرایب همبستگی ذکر شده بین متغیرها (به جز رابطه‌ی بین مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج با مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج)، سایر ضرایب در سطح  $P < ۰/۰۵$  معنادار می‌باشند.

همان‌طور که در ابتدا ذکر شد در پژوهش حاضر با توجه به مطالعات گذشته، برای بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج یک مدل مفهومی پیشنهاد شد. به منظور ارزیابی الگوی پیشنهادی، بخش ساختاری الگو با استفاده از الگویابی معادلات ساختاری (SEM) با برآورد حداکثر درست‌نمایی (ML) برآورد گردید. پیش از بررسی ضرایب ساختاری، برازندگی

الگوی اصلی مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مورد استفاده قرار گرفت. با وجود این که مقادیر برخی شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب الگوی اولیه با داده‌ها بودند، ولی نتایج نشان می‌دادند که الگوی اصلی نیاز به بهبود دارد. در گام، بعد ارتقای برازندگی الگوی اصلی از طریق حذف سه مسیر (الگوی نهایی) انجام گرفت. با حذف این مسیرها تناسب مدل به صورت معناداری افزایش یافت.

جدول ۳. برازش الگوهای پیشنهادی و نهایی با داده‌ها بر اساس شاخص‌های برازندگی

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	$\chi^2/df$	df	$\chi^2$	
۰/۳۱	۰/۸۶۴	۰/۸۶۵	۰/۰۵۳	۰/۸۶۳	۰/۳۱۵	۰/۹۲۷	۲۹/۸۷	۳	۸۹/۶۲	الگوی پیشنهادی
۰/۰۳۷	۰/۹۹۱	۰/۹۹۱	۰/۹۸۷	۰/۹۹۸	۰/۹۶۳	۰/۹۹۵	۱/۴	۴	۵/۶۲	الگوی نهایی

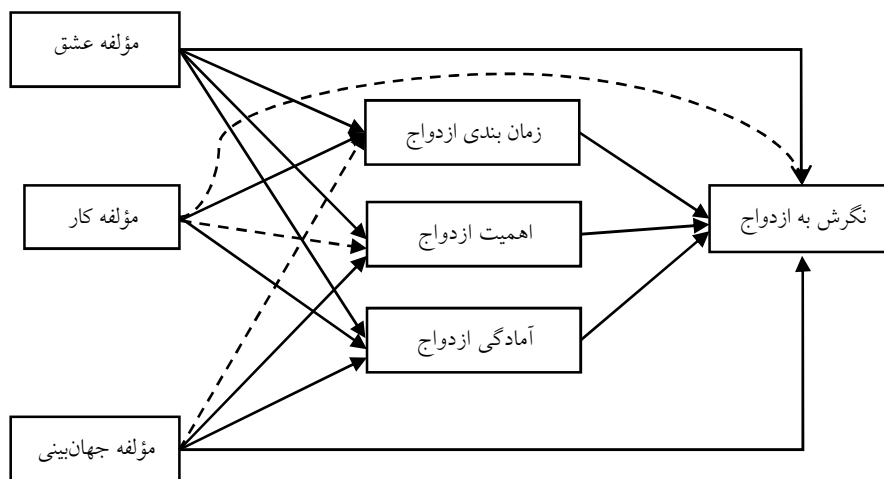
همان‌گونه که در جدول ۳ آمده است، با توجه به شاخص‌های برازندگی به ویژه نسبت مجذور کای به درجه‌ی آزادی برابر ۱/۴، شاخص نیکویی برازش (GFI) برابر ۰/۹۹۵، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) برابر ۰/۹۶۳، شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI) برابر ۰/۹۹۱، ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات (RMSEA) برابر ۰/۰۳۷، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) برابر ۰/۹۹۸ و شاخص برازش هنجار شده (NFI) برابر ۰/۹۹۱ مدل ساختاری از برازندگی خوبی برخوردار است و همه‌ی روابط ساختاری موجود در مدل نهایی در سطح  $P < ۰/۰۵$  معنادار می‌باشد. ضرایب مسیر در مدل پیشنهادی و مدل نهایی در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. مسیرها و ضرایب استاندارد مربوط به اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی

مدل نهایی		مدل پیشنهادی		مسیر
P	$\beta$	P	$\beta$	
۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۰۰۶	۰/۱۶	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱	۰/۲۱۴	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج
—	—	۰/۰۸۵	-۰/۱۰۱	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۸۷	۰/۰۰۱	۰/۳۷	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج

مدل پيشنهادی		مدل نهایی		مسیر
P	$\beta$	P	$\beta$	
–	–	۰/۶۴	۰/۰۲۳	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۳۳۴	۰/۰۰۱	۰/۳۵	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۲۴۶	۰/۰۰۱	۰/۲۴۳	مؤلفه‌ی عشق به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۴	۰/۱۵۱	۰/۰۰۴	۰/۱۶۳	مؤلفه‌ی کار به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۳	۰/۱۲۰	۰/۰۳۹	۰/۱۱۷	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۹۵	۰/۰۰۱	۰/۲۰۳	مؤلفه‌ی عشق به نگرش به ازدواج
–	–	۰/۳۲	–۰/۰۳۸	مؤلفه‌ی کار به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱	۰/۱۸۱	مؤلفه‌ی جهان‌بینی به نگرش به ازدواج
۰/۰۲۵	–۰/۰۸۴	۰/۰۳۴	–۰/۰۷۷	مؤلفه‌ی زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج
۰/۰۰۱	۰/۵۵۰	۰/۰۰۱	۰/۵۶۸	مؤلفه‌ی اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج
۰/۰۳۶	۰/۰۸۵	۰/۰۱۵	۰/۰۹۲	مؤلفه‌ی آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج

براساس نتایج نشان داده شده در جدول ۴ همه‌ی ضرایب مسیر مربوط به مدل نهایی معنی‌دار هستند. هم‌چنین همان‌طور که گفته شد مسیرهای غیر معنی‌دار از مدل نهایی حذف شدند.



شکل ۲. الگوی نهایی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج



همان‌گونه که در مدل نهایی مشاهده می‌شود، مؤلفه‌ی عشق هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه دارد. اما مؤلفه‌ی کار فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق مؤلفه زمان‌بندی ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج با نگرش نسبت به ازدواج رابطه دارد. از سوی دیگر؛ مؤلفه‌ی جهان‌بینی هم به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه اهمیت ازدواج و مؤلفه آمادگی ازدواج موجب بهبود نگرش نسبت به ازدواج می‌شود. مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج نیز به صورت مستقیم با نگرش نسبت به ازدواج ارتباط دارند.

جهت بررسی روابط واسطه‌ای بین متغیرهای پژوهش از روش بوت استرپ (bootstrapping method) استفاده شد. این روش یکی از روش‌های نمونه‌گیری مکرر بوده و شامل ترسیم تعداد زیادی نمونه با جایگزشت از نمونه اصلی است. با توجه به شکل ۲ و با استناد به ضرایب استاندارد ذکر شده مسیرها، نتایج آزمون برای مسیرهای غیرمستقیم پژوهش، در جدول زیر آمده است.

جدول ۵. نتایج بوت استرپ و معنی‌داری مسیرهای غیرمستقیم

مسیر	مقدار بوت استرپ	حد پایین	حد بالا	سطح معنی‌داری
مؤلفه عشق به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	-۰/۱۲۴	-۰/۲۱۴	-۰/۰۵۲	۰/۰۰۹
مؤلفه کار به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	-۰/۱۴۵	-۰/۲۴۵	-۰/۰۷۶	۰/۰۰۵
مؤلفه جهان‌بینی به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۰۷۵	-۰/۰۰۷	۰/۱۶۲	۰/۰۰۶
مؤلفه عشق به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۷۶۵	۰/۵۹۶	۰/۹۳۱	۰/۰۰۷
مؤلفه کار به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۰۴۲	-۰/۰۹۸	۰/۱۹۲	۰/۰۴۹
مؤلفه جهان‌بینی به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۶۹	۰/۵۲۷	۰/۹۱۳	۰/۰۰۵
مؤلفه عشق به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۲۲۶	۰/۱۳۸	۰/۳۳۱	۰/۰۰۶
مؤلفه کار به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۱۳۳	۰/۰۶۸	۰/۲۳	۰/۰۰۳
مؤلفه جهان‌بینی به آمادگی ازدواج به نگرش به ازدواج	۰/۱۰۴	۰/۰۲۶	۰/۲۲۴	۰/۰۲۶

نتایج مندرج در جدول ۵ نشان می‌دهد که نتیجه بوت استرپ برای همه‌ی مسیرهای غیرمستقیم (به جز دو مسیر که با رنگ قرمز مشخص شده‌اند)، در دامنه بین حد پایین و بالای فاصله اطمینان قرار گرفت. سطح معنی‌داری به دست آمده ( $p < 0/05$ )، حاکی از معنی‌دار بودن مسیرهای غیرمستقیم در مدل نهایی می‌باشد. لازم به ذکر است که مسیر غیرمستقیم مؤلفه جهان‌بینی به زمان‌بندی ازدواج به نگرش به ازدواج و مسیر مؤلفه‌ی کار به اهمیت ازدواج به نگرش به ازدواج غیرمعنی‌دار بود که در مدل نهایی پژوهش حذف شدند.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های اخیر در زمینه‌ی ازدواج شواهدی را ارائه می‌دهد که ابعاد هویت فردی نقش مهمی در نگرش نسبت به ازدواج دختران دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی یک مدل مفهومی در مورد اثرات مستقیم و غیرمستقیم ابعاد هویت بر نگرش نسبت به ازدواج با نقش میانجی مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج در دانشجویان دختر مجرد تحصیلات تکمیلی بود. بر اساس مدل فرض‌شده ابعاد هویت به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد. همچنین مؤلفه‌های دیدگاه افق ازدواج به صورت مستقیم بر نگرش به ازدواج تأثیر دارد.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه عشق از طریق سه مؤلفه‌ی افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج، اهمیت ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌های (Montgomery, Barry et al, 2009; 2005, 2012; Zimmer-Gembeck et al, 2016) می‌باشد. طبق تحقیقات انجام شده هویت بحران‌زده و سردرگم کمترین میزان سازگاری را در انواع منزلت‌های هویتی نشان می‌دهد (Fadjukoff, 2007). بایرز و سیفگه-کرنکه (۲۰۱۰). نشان دادند، موفقیت در هویت عشقی با دیدگاه مرکزی در مورد ازدواج که در زمان‌بندی قبل از ازدواج دیده می‌شود، سازگار است و اهمیت بیشتر ازدواج در مقایسه با همسالانی که کمتر اهمیت می‌دهند؛ مشهود می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت، شکل‌گیری هویت و نقش برقراری روابط صمیمی آن در ازدواج، اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنان که نوبزگسالان در جستجوی تکامل هویت عشق و روابط صمیمانه خود هستند و شروع به ایجاد روابط جدی‌تر با جنس مقابل می‌کنند، نگرش آنان نسبت به ازدواج نیز در حال شکل‌گیری است. نگرش نسبت به ازدواج نشان‌دهنده احساسات و تمایلات افراد، پیش‌داوری‌ها یا سوگیری-

ها، تصورات از پیش فرض شده، ترس‌ها و عقاید راسخ آن‌ها در مورد ازدواج است. بنابراین نگرش یک فرد در مورد ازدواج آن چیزی است که او در مورد ازدواج فکر و احساس می‌کند. حال، اگر هویت عشق در افراد تکامل یافته‌تر باشد و فرد در مورد اینکه چه نوع رابطه‌ی دوستی برای وی مناسب است، بررسی‌های لازم نسبت به ایجاد رابطه را انجام دهد و به اطمینان برسد؛ یا در واقع نسبت به شناخت روابط صمیمانه و ازدواج، خود را متعهد و درگیر کند و ازدواج را یک رابطه‌ی محکم و پایدار بداند، نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج خواهد داشت. از سوی دیگر، هویت عشق شکل یافته می‌تواند بر افق ازدواج فرد اثر گذاشته و آن را واضح‌تر، نزدیک‌تر و بااهمیت‌تر نمایان کند. در واقع چنین دخترانی، زمان بندی مناسبی را برای ازدواج خود را در نظر گرفته، ازدواج را بااهمیت‌تر می‌شمرند و احتمالاً خود را برای ازدواج و تشکیل خانواده آماده‌تر می‌دانند.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر غیرمستقیم مؤلفه کار از طریق دو مؤلفه‌ی افق ازدواج (زمان‌بندی ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌ی (Belt, 2016) می‌باشد. احساس هویت به فرآیندی که در آن افراد هویت خویش را پایه‌ریزی می‌کنند و یا احساسی از خود به دست می‌آورند، اشاره دارد (Erikson, 1950). امروزه هویت شغلی در جوامع پیشرفته بسیار مورد توجه قرار گرفته است و به نظر می‌رسد ایجاد هویتی قوی، خودخواسته، مثبت و منعطف می‌تواند به موفقیت شغلی، سازگاری اجتماعی و سلامت روانی منجر شود (Schwartz, 2011). هویت شغلی افراد در واقع به مفهومی که افراد جامعه از خود دارند بر مبنای شغل آنها اشاره دارد و ترکیبی از هویت‌های سازمانی و حرفه‌ای و دیگر وجوهی از یک شغل است که بخش قابل توجهی از نقشی را که یک فرد در اجتماع دارد تعیین می‌کند (شاوردی و حیدری، ۱۳۹۵). شغل یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین وجوه زندگی افراد است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای بر رفتارها و اخلاق افراد جامعه داشته باشد. گروه‌های شغلی و اخلاق حرفه‌ای حاکم بر هر گروه، میزان پررنگی و یا کم‌رنگی مرزهای میان هر گروه شغلی با دیگر گروه‌ها، کیفیت‌های لازم برای کسب آن شغل و... همه عواملی هستند که می‌توانند بر شدت تاثیرگذاری شغل بر هویت افراد و تعریفی که از خود بر مبنای شغل - شان دارند تأثیر داشته باشد. علیرغم اینکه، در جامعه امروز ما که سطح تحصیلات دانشگاهی دختران رو به گسترش است و بنا بر آمارهای موجود، تعداد دانشجویان دختر نسبت به دانشجویان پسر بیشتر است، همچنان مشکلات مربوط به اشتغال و هویت شغلی

در زنان یک مسئله مهم و پابرجا مانده است. موفقیت در کسب هویت شغلی، نشان دهنده‌ی این است که فرد در پی یافتن شغل مناسب خود است، علایق شغلی و حرفه‌ای خود را می‌شناسد و حاضر است برای یافتن شغل مناسب خود آموزش‌ها و تخصص‌های لازم را فرا گیرد. بنابراین، چنین افرادی که از نظر هویت شغلی و حرفه‌ای در سطح مطلوب‌تری هستند با توجه به جنبه اقتصادی و مالی ازدواج- زمان‌بندی مناسب برای ازدواج خود را بر اساس وضعیت شغلی خود تنظیم کرده و آمادگی لازم برای ازدواج را در خود می‌بینند، لذا نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج خواهند داشت.

نتایج ارزیابی مدل تحلیل مسیر حاکی از تأیید اثر مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه جهان‌بینی از طریق دو مؤلفه‌ی افق ازدواج (اهمیت ازدواج و آمادگی ازدواج) با نگرش نسبت به ازدواج بود. این یافته هماهنگ با یافته‌های (Barry et al, 2009; Zimmer- Montgomery, 2005; Belt, 2016 و Gembeck et al, 2012) می‌باشد. ورود به بزرگسالی با شکل‌گیری جهان‌بینی و مشخص شدن ارزش‌های فردی و گروهی همراه است. شکل‌گیری و گسترش جهان‌بینی نوبزرگسالان با پیگیری استقلال از دیگران و تکانه‌های فردی مشخص می‌شود (آرنت، راموس و جنسن، ۲۰۰۱). شکل‌گیری هویت و دست‌یابی به تعریفی منسجم از خود، مهم‌ترین جنبه‌ی رشد روانی و اجتماعی انسان است. انتخاب ارزش‌ها، باورها و اهداف زندگی، مهم‌ترین مشخصه‌های اصلی هویت را در دوراهی نوجوانی و جوانی شکل می‌دهند. در مطالعه‌ی شخصیت انسان، هویت جنبه‌ی اساسی و درونی است که به کمک آن، فرد با گذشته‌ی خود ارتباط یافته و در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. شکل‌گیری هویت همچنین ترکیبی از مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به صورت یک کل کم و بیش منسجم، پیوسته و منحصر به فرد در می‌آید و برای فرد، حس تداوم گذشته و جهت‌گیری به سوی آینده را فراهم می‌سازد. هر چه فرد، نسبت به ارزش‌هایی که از تولد تا بزرگسالی کسب کرده، آگاهی داشته باشد و آنها را مناسب خود ببیند؛ یا در واقع جهان‌بینی پایدارتر و متناسب با ارزش‌های خود داشته باشد، نسب به ایجاد رابطه و تشکیل خانواده یا ازدواج، نگرش مثبت‌تری خواهد داشت. از سوی دیگر، اهمیت ازدواج را بیشتر ادراک کرده و خود را برای ازدواج آماده می‌داند.

به طور کلی، یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت با نقشی که بسیاری از نوبزرگسالان از ازدواج انتظار دارند، هماهنگ است. مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر این است که از روابط به دست‌آمده بین متغیرها می‌توان برای استنباط روابط

علی استفاده کرد. محدودیت دیگر این پژوهش این است که همه‌ی ابعاد هویت در این پژوهش مورد مطالعه قرار نگرفت. همچنین تعمیم نتایج به گروه پسران یا افراد غیردانشجو باید با احتیاط صورت گیرد. یکی دیگر از محدودیت‌های مهم این مطالعه، ماهیت مقطعی مدل است که امکان استنتاج قطعی از نتایج را فراهم نمی‌کند. تحقیقات نشان می‌دهد که افق‌های ازدواج و وضعیت‌های هویتی ایستا نیستند (Willoughby, 2010). بنابراین برای ارزیابی کامل این روابط در نوزادگان، لازم است در پژوهش‌های آتی، به صورت طولی تغییرات در افق ازدواج با تغییر در وضعیت‌شکل‌گیری هویت مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود نمونه‌های دیگر به‌ویژه افراد غیردانشجو و تفاوت‌های جنسیتی نیز مورد پژوهش قرار گیرند.

## کتاب‌نامه

امینی، مرضیه (۱۳۹۱). رابطه سبک‌های دلبستگی و انسجام خانواده با هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان گچساران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

آزاد فلاح، پرویز؛ پورمحمدرضای تجربی، معصومه؛ بیگدلی، ایمان اله و مدرسی، حسن. (۱۳۸۷). راهکارهای علمی و اجرایی برای حل فاصله بین بلوغ و ازدواج: شناسایی موانع ازدواج و راهکارهای تسهیل آن. نخستین جشنواره ملی خانواده‌پژوهی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

شاوردی، تهمنه و حیدری، حسن (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی هویت شغلی با تأکید بر شناسایی ابعاد و مولفه‌های آن. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۸ (۴)، ۱۱۴-۱۴۱.

Acitelli, L. K., Rogers, S., & Knee, C. R. (1999). The role of identity in the link between relationship thinking and relationship satisfaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 16 (5), 591-618.

Adamczyk, K. (2017). Direct and indirect effects of relationship status through satisfaction with relationship status and fear of being single on Polish young adults' well-being. *Personality and Individual Differences*, 111, 51-57.

Arnett, J. J. (1998). Learning to stand alone: The contemporary American transition to adulthood in cultural and historical context. *Human Development*, 41 (5-6), 295-315.

Arnett, J. J. (2000). Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, 55 (5), 469-480.

Arnett, J. J., Ramos, K. D., & Jensen, L. A. (2001). Ideological views in emerging adulthood: Balancing autonomy and community. *Journal of Adult Development*, 8 (2), 69-79.

- Balistreri, E., Busch-Rossnagel, N. A., & Geisinger, K. F. (1995). Development and preliminary validation of the Ego Identity Process Questionnaire. *Journal of Adolescence*, 18 (2), 179-192.
- Barry, C. M., Madsen, S. D., Nelson, L. J., Carroll, J. S., & Badger, S. (2009). Friendship and romantic relationship qualities in emerging adulthood: Differential associations with identity development and achieved adulthood criteria. *Journal of Adult Development*, 16 (4), 209-222.
- Belt, D. A. (2016). Looking at the Marital Horizons of Emerging Adults through the Lens of Identity Formation. Brigham Young University.
- Beyers, W., & Seiffge-Krenke, I. (2010). Does identity precede intimacy? Testing Erikson's theory on romantic development in emerging adults of the 21st Century. *Journal of Adolescent Research*, 25 (3), 387-415.
- Boyce, C. J., Wood, A. M., Delaney, L., & Ferguson, E. (2017). How do Personality and Social Structures Interact with Each Other to Predict Important Life Outcomes? The Importance of Accounting for Personality Change. *European Journal of Personality*, 42 (4), 471-484.
- Brateen, E., & Rosen, L. A. (1998). Development and Validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce and Remarriage*, 29 (3), 83-89.
- Brown, S. L., Sanchez, L. A., Nock, S. L., & Wright, J. D. (2006). Links between premarital cohabitation and subsequent marital quality, stability, and divorce: A comparison of covenant versus standard marriages. *Social Science Research*, 35 (1), 454-470.
- Carey, K. M. (2005). Effects of childhood family environment on marital attitudes. M.A. Dissertation. Truman State University.
- Carlson, D. L. (2012). Deviations from desired age at marriage: Mental health differences across marital status. *Journal of Marriage and Family*, 74 (4), 743-758 .
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C. M., & Madsen, S. D. (2007). So close, yet so far away: The impact of varying marital horizons on emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 22 (3), 219-247.
- Carroll, J. S., Willoughby, B., Badger, S., Nelson, L. J., Barry, C., & Madsen, S. (2009). Ready or not? Criteria for marriage readiness among emerging adults. *Journal of Adolescent Research*, 24 (3), 349-375.
- Claxton, A., O'Rourke, N., Smith, J.A.Z., & DeLongis, A. (2013). Personality traits and marital satisfaction within enduring relationships: An intra-couple discrepancy approach. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29 (3), 375-396.
- Crocetti, E., Scrignaro, M., Sica, L., & Magrin, M. (2012). Correlates of identity configurations & three studies with adolescent and emerging adult cohorts. *Journal of Youth Adolescence*, 41 (6), 732-748.
- Dion, K. K., & Dion, K. L. (1991). Psychological individualism and romantic love. *Journal of Social Behavior and Personality*, 6 (1), 17-33.
- Erikson, E. H. (1950). Childhood and society. New York, NY: W. W. Norton & Company.
- Fadjukoff, P. (2007). *Identity Formation in Adulthood*. Academic Dissertation. University of Jyväskylä Finland.

- Freeman, H., & Brown, B. B. (2001). Primary attachment to parents and peers during adolescence, differences by attachment style. *Journal of Youth and Adolescence*, 30 (6): 653-674.
- Johnson, M. D., Anderson, J. R., & Stith, (2011). An Application of Marital Horizon Theory to Dating Violence Perpetration. *Family Science Review*, 16 (2): 13-26.
- Jonsson, F. H., Njardvik, U., Olafsdóttir, G., & Grétarsson, S. J. (2000). Parental divorce: long-term effects on mental health, family relations and adult sexual behavior. *Journal of Psychology*, 41 (2), 101-105.
- Kennedy, S., & Bumpass, L. (2011). Cohabitation and trends in the structure and stability of children's family lives. Paper presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, Washington, DC.
- Manning, W. D., Brown, S. L., & Payne, K. K. (2014). Two decades of stability and change in age at first union formation. *Journal of Marriage and Family*, 76 (2), 247-260.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego-identity status. *Journal of Personality and Social Psychology*, 3 (5), 551-558.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). Attachment in Adulthood: Structure, Dynamics, and Change. New York: The Guilford Press.
- Montgomery, M. J. (2005). Psychosocial intimacy and identity: From early adolescence to emerging adulthood. *Journal of Adolescent Research*, 20 (3), 346-374.
- Morsünbül, Ü., & Atak, H. (2013). Validity and Reliability Study of the Turkish Version of Ego Identity Process Questionnaire. *Educational Sciences: Theory and Practice*, 13 (4): 2053-2058.
- Mullis, A. K., Mullis, R. L., Schwartz, S. J., Pease, J. L. & Shriner, M. (2007). Relations among Parental Divorce, Identity Status, and Coping Strategies of College Age Women. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 7 (2): 137-154.
- Neufeldt, V., & Guranlik, D. G. (1988). Webster's new world dictionary (3<sup>rd</sup> edition). New York: Simon & Schuster.
- Pace, U., & Zappulla, C. (2009). Identity Processes and Quality of Emotional Autonomy: The Contribution of Two Developmental Tasks on Middle-Adolescents' Subjective Well-Being. *An International Journal of Theory and Research* 9 (4), 323-340.
- Pellerone, M., Ramaci, T., Granà, R., & Craparo, G. (2017). Identity development, parenting styles, body uneasiness, and disgust toward food A perspective of integration and research. *Clinical Neuropsychiatry*, 14 (4), 275-286.
- Pittman, J. F., Kerpelman, J. L., Soto, J. B., & Adler-Baeder, F. M. (2012). Identity exploration in the dating domain: The role of attachment dimensions and parenting practices. *Journal of Adolescence*, 35(6), 1485-1499.
- Rao, S. L. (2017). Marital adjustment and depression among couples. *The International Journal of Indian Psychology*, 4, 34-42.
- Risch, S. C., Jodl, K. M., & Eccles, J. S. (2004). Role of the father-adolescent relationship in shaping adolescent's attitude toward divorce. *Journal of Marriage and Family*, 66 (1): 46-58.

- Salmela-Aro, K., Aunola, K., & Nurmi, J.-E. (2007). Personal goals during emerging adulthood: A 10-Year follow up. *Journal of Adolescent Research*, 22 (6), 690–715.
- Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, Homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 33 (2), 246-268.
- Schwartz, S. J. (2011). The Evolution of Eriksonian and Neo-Eriksonian Identity Theory and research: A Review and Integration, an International, *Journal of Theory and Research*, 1 (1): 7-58.
- Vespa, J. (2014). Historical Trends in the Marital Intentions of One-Time and Serial Cohabitors. *Journal of Marriage and Family*, 76, 207-217.
- Willoughby, B. (2010). Marital attitude trajectories across adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 39 (11), 1305-1317.
- Willoughby, B. J. (2010). Marital Attitude Trajectories across Adolescence. *Journal of Youth & Adolescence*, 39 (11): 1305–1317.
- Willoughby, B. J. (2014). Using marital attitudes in late adolescence to predict later union transitions. *Journal of Youth and Adolescence*, 46, 425–440.
- Willoughby, B. J., & Carroll, J. S. (2015). On the horizon: Marriage timing, beliefs, and consequences in emerging adulthood. In J. J. Arnett (Ed.). *The oxford handbook of emerging adulthood*. (pp. 280–295). New York, NY: Oxford University Press.
- Willoughby, B. J., & Hall, S. S. (2015). Enthusiasts, delayers, and the ambiguous middle: Marital paradigms among emerging adults. *Emerging Adulthood*, 3(2), 123–135.
- Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Goff, S. (2015b). Marriage matters but how much? Marital centrality among young adults. *Journal of Psychology*, 149, 796-817.
- Willoughby, B. J., Hall, S. S., & Luczak, H. P. (2015). Marital paradigms: A conceptual framework for marital attitudes, values, and beliefs. *Journal of Family Issues*, 36, 188–211.
- Zimmer-Gembeck, M. J., Hughes, N., Kelly, M., & Connolly, J. (2012). Intimacy, identity and status: Measuring dating goals in late adolescence and emerging adulthood. *Motivation & Emotion*, 36 (3), 311–322.